

هوالأبهی

ای بیدار هشیار ستایش و پرستش یزدان را نما که ترا از گرداب پیمان شکن اهریمنان رهائی داد و در انجمن راستان درآورد این گروه پرتو آفتاب نبیند و چون موش کور در کنج گور جای گزیند و گوش باهنگ جانبخش جهان آسمان ندهند و چون مار کر در سوراخ تاریک و تنگ خزیدند و چون خواهند که دانائی بنمایند و بینائی خویش را بستایند گویند آفتاب درخشنده تاریک است و ماه تابان تیره در چشم هر دور و نزدیک آهنگ مرغ چمن بد و آواز کلاغ و زغن خوش گلشن راز یزدان گلخن است و سرزمین خس و خاشاک گلزار و چمن پس چار گوهر چهار سو چهار جو چهار کو چهار جایگاه چهار روز در سخن پیشینیان و نیاکان بسیار اختر چهارم آسمان چون در روز چهارم چارم جایگاه روی بنماید هر که یزدانی یزدانی گردد ع ع و هر که اهریمنی اهریمنی شود زیرا هر جانی چون از تن جدا گردد در روز آغاز بجایگاه آغاز رسد و بگذرد و از گوهر خاک درگذرد روز دویم از جایگاه دویم از گوهر جهان روینده درگذرد روز سیم از جایگاه سیم جهان جانوران درگذرد در بامداد روز چهارم در جایگاه مردمان چون مهر درخشنده جهان یزدان بتابد هر که درگذرد بجهان خداوند مهربان پیوسته گردد و الا در تیرگی جایگاه جانوران ماند و چهار روز چهار جایگاه است چه که خورشید جهان جان بر چار جایگاه باندازه آن جایگاه پرتویخش است دوستانرا یک یک پیغام دوستی و پیام آشنائی برسان جانت شاد باد ع ع